

سهامداران آن بطور عمده سرمایه‌داران کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن بودند و هستند اوج گرفت.

اگر در دوران جنگ‌های اول و دوم جهانی، کشورهای سرمایه‌داری استعماری حاضر بودند برای تضعیف جبهه‌ی مقابل و تقویت خود به پاره‌ای از شخصیت‌های مردمی در مستعمرات موقتا روی خوش نشان دهند و با وعده و وعید نیروی مردمی مستعمرات را در خدمت منافع و مقاصد خود به کار اندازند، با تشدید تمرکز سرمایه و با ادغام هرچه بیشتر اقتصاد و لذا سیاست و نظامیگری دول استعماری درهم، دیگر چنین نیازی در کار نیست. بخصوص که دول استعماری بر این امر واقفند که هرگونه تزلزل در نظام سرمایه‌داری استعماری جهانی می‌تواند موجب رهایی مردم یک منطقه از مستعمرات از چنین نظامی گردد و چه بسا تجدید اسارات ممکن نشود.

بالا رفتن سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی در مستعمرات، بویژه گسترش نهضت‌هایی که هدفشان رهایی مردم مستعمرات از فقر و ظلم و حذف سلطه‌ی طبقات حاکم و وابسته به استعمار محلی، و درآیین تحلیل، رهایی از سلطه‌ی غارتگرانه سرمایه‌داری است، موجب شده که طبقات حاکم در دولتهای سرمایه‌داری استعماری با اقداماتی در زمینه فرهنگ و سیاست و مذهب در همان جهت روند تمرکز سرمایه قدم بردارند و شرایط اجتماعی را برای ادغام هرچه بیشتر جوامع کشورهای سرمایه‌داری استعماری آماده کنند. اگر تا پایان جنگ جهانی دوم می‌شد از استعمار ژاپن، آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس، بلژیک و... سخن گفت، امروزه جای همه آنها را استعمار دستجمعی گرفته، زیرا اشتراك منافع اساس این دولتهای استعماری را چنان به هم ملحق ساخته که دیگر نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا دانست.

گرچه بخشی از مطبوعات و پاره‌ای از نظریه‌پردازان کشورهای سرمایه‌داری استعماری از منافع خاص و ملی خود سخن می‌گویند، اما این منافع خاص و ملی در حقیقت فقط بخشی از منافع عام و جمعی استعمار سرمایه‌داری است و با آن در تضاد قرار نمی‌گیرد؛ اگر هم اختلاف نظر و رقابتی محدود و موقتی مطرح می‌شود، با توافق در دادوستدها مسئله به صورتی حل می‌شود که در هر حال مردم مستعمرات نتوانند حتی از اختلافات زودگذر نیز بهره‌برداری کنند. البته ممکن است نظامی برای حفظ خود، با این یا آن بخش از

# افسانه تضاد و افسانه چندقطبی بودن استعمار سرمایه‌داری

(اتحاد استراتژیک به جای رقابت)

□ از: دکتر شاپور رواسانی

استاد کرسی اقتصاد اجتماعی در دانشگاه اولدنبورگ - آلمان

می‌گذرد بی‌اطلاعتند.

مقالاتی که به زبان فارسی درباره‌ی سه قطبی بودن اقتصاد جهانی و رقابت و حتی دشمنی فعلی و آینده‌ی سه قطب (ژاپن، آمریکا و اروپا) منتشر می‌شود، بطور عمده ترجمه‌هایی است از مقالاتی که در همین زمینه در مطبوعات اروپا و آمریکا انتشار می‌یابد و در خدمت پرداختن افسانه‌ای است که دوره‌ی آنها مانند دوره‌ی تضاد گذشته است.

تا پایان جنگ جهانی دوم تضاد آشتی‌ناپذیری میان سرمایه‌داران ملی کشورهای استعماری سرمایه‌داری وجود داشت و جنگ جهانی دوم نزاعی بود میان دول استعماری سرمایه‌داری برای حفظ یا توسعه‌ی مناطق تحت سلطه‌ی اقتصادی و سیاسی و نظامی‌شان، اما پس از پایان جنگ، روند تمرکز سرمایه در جهان سرمایه‌داری تشدید شد و فعالیت شرکت‌های بزرگ چندملیتی که

ترا برودر نشانند او به طراری که می‌آید تو منشین منتظر بر در که این خانه دو در دارد» مولوی

به نظر نگارنده، کسانی که هنوز در کشور ما و سایر کشورهای عقب‌نگهداشته شده به تئوری تضاد اعتقاد دارند و تصور می‌کنند که میان کشورهای استعماری سرمایه‌داری چنان تضادی وجود دارد که ممکن است بر ضد منافع یکدیگر به عملیات جدی سیاسی یا نظامی دست زنند و نفع خود را در نابودی یا دستکم تضعیف کشورهای سرمایه‌داری استعماری دیگری بدانند، و جنبش‌های مردمی در مستعمرات می‌توانند از این تضادها به سود خود بهره‌برداری کنند، سخت در اشتباهند؛ حداقل این که از تغییرات و تحولات زیربنایی و اساسی اقتصاد جهانی در سی سال گذشته و بخصوص چند سال اخیر و آنچه امروز



۵۰ درصد آن) در کشورهای اروپایی بوده و برحسب نمودار شماره (۳) از مجموع سرمایه‌گذاری‌های خارجی ژاپن در سال ۱۹۸۹ که به ۲۵۴ میلیارد دلار می‌رسیده، ۱۰۹ میلیارد دلار به آمریکا و ۴۵ میلیارد دلار به اروپا اختصاص داشته و سرمایه‌گذاری ژاپن در اروپا به نسبت سال ۱۹۸۵ تقریباً ۴ برابر افزایش یافته است.

نمودار شماره (۴) نشان دهنده افزایش سریع سرمایه‌گذاری متقابل آمریکا، ژاپن و اروپاست. برحسب این نمودار، سرمایه‌گذاری اروپا در آمریکا از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰، از ۱۰۶ میلیارد دلار به ۲۸۰ میلیارد و سرمایه‌گذاری آمریکا در اروپا از ۸۲/۱ به ۲۲۵/۵ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری شرکت‌های ژاپنی در آمریکا از ۲۵/۳ به ۸۵/۴ و سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ژاپن از ۹/۱ به ۲۱/۷ میلیارد دلار افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری شرکت‌های ژاپنی در اروپا در همین دوره ۵ ساله، از ۱۱ به ۱۹/۳ میلیارد و سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در ژاپن از ۱/۴ میلیارد به ۶ میلیارد دلار رسیده است.

پژوهش‌های انجام شده حاکی از این است که ادغام سرمایه‌ای به‌خصوص میان آمریکا و اروپا سرعت و شدت یافته و شرکت‌های اروپایی و آمریکایی به‌طور روزافزونی در مورد بازارها به توافق رسیده و در بسیاری موارد درهم ادغام شده‌اند.<sup>۲</sup> با توجه به اینکه حرکت مذکور هنوز هم به تندی ادامه دارد، چگونه می‌توان از تضاد منافع اروپا و آمریکا سخن گفت و چگونه می‌توان آمریکا و اروپا را دو قطب جدا و مستقل از یکدیگر دانست؟ با وجود رشد ادغام سرمایه‌ای، آیا تصور تضاد میان ژاپن، اروپا و آمریکا سطحی و بی‌پایه نیست آیا سرمایه‌گذاری‌های متقابل پایه و اساس اقتصادی همکاری‌های سیاسی و نظامی به‌شمار نمی‌آید؟

اظهارات سران سیاسی دول اروپایی و آمریکا و برخوردهای موقت و زودگذر آنان درباره مسائل مربوط به گمرک و مالیات و مانند اینها را نمی‌توان دلیل وجود تضاد میان دول استعماری دانست. این اظهارات به مصلحت روز و در بسیاری موارد برای پی‌گم کردن یا دست‌یابی به مقاصد معینی انجام می‌گیرد و دعوای اروپا و آمریکا و ژاپن بر سر مسائل گمرکی و سهم بازار فروش، نوعی اختلاف داخلی شرکاء محسوب می‌شود. به این جهت نباید این اظهارات و اختلافات را جدی تلقی کرد و به آنها درخصوص اثبات نظریه «تضاد» یا سه قطبی بودن، بر بها داد و حتی غلو

زور و قهر و تهدید نظامی یا کودتای نظامی آن را از صحنه خارج کند.

در توضیح و اثبات آنچه بیان شد، در سطور زیر ادغام اقتصادی اروپا، آمریکا و ژاپن در یکدیگر، در زمینه ادغام سرمایه، ادغام کالایی، ادغام از لحاظ امور فنی و تکنولوژی مطرح می‌گردد. خوانندگان توجه خواهند کرد که در هر سه زمینه که با یکدیگر رابطه دقیق ساختاری دارد، جهت حرکت یک جانبه و رو به مرکز است و مقایسه آمارهای سرمایه‌گذاری متقابل و مشترک، مبادا کالایی و ادغام در زمینه کشفیات و تولید، این حقیقت را آشکار می‌کند.

### ۱- ادغام در زمینه سرمایه

با آمار و ارقام می‌توان رشد سریع و فزاینده سرمایه‌گذاری متقابل اروپا و آمریکا و ژاپن را نشان داد. باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری تنها یک مسئله مالی نیست، بلکه بالا جبار همکاری و مشارکت در امور فنی تولید، توزیع و فروش و یگانگی در امور سیاسی و فرهنگی را نیز به همراه دارد.

در سال ۱۹۸۰، سرمایه‌گذاری آمریکا در اروپا به ۹۶/۵ میلیارد دلار رسید؛ تا سال ۱۹۸۹ سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکا در اروپا (همه اروپا) بالغ بر ۱۷۶/۷ میلیارد دلار شد که از آن مبلغ ۱۳۱/۱ میلیارد دلار فقط سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا بود. سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در ژاپن از مبلغ ۹/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۱۷/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ افزایش یافت.<sup>۱</sup>

نمودار شماره (۲) میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در اروپا و نمودار شماره (۳) اهمیت سرمایه‌گذاری ژاپن در آمریکای شمالی را نشان می‌دهد. برحسب این نمودارها، مجموع سرمایه‌گذاری آمریکا در سال ۱۹۸۹ در اروپای غربی ۱۵۶ میلیارد دلار، در آمریکای لاتین ۳۵ میلیارد دلار، در ژاپن ۱۸ میلیارد دلار و در بقیه نقاط دنیا ۱۲۵ میلیارد دلار بوده و سرمایه‌گذاری ژاپن در آمریکای شمالی به ۱۰۹ میلیارد دلار، در اروپای غربی به ۴۵ میلیارد، در آمریکای لاتین به ۳۷ میلیارد و در بقیه جهان به ۶۳ میلیارد دلار رسیده است.

طبق نمودار شماره (۲) از کل سرمایه‌گذاری خارجی آمریکا در سال ۱۹۸۹ که به ۳۲۴ میلیارد دلار بالغ می‌شده، مبلغ ۱۵۶ میلیارد دلار (قریب

سرمایه‌داری استعماری جهانی همکاری نماید و برای حفظ ظاهر و فریب مردم به آن عنوان استفاده از تضاد بدهد، و اگر این نشد روی مسئله سه قطبی بودن جهان سرمایه‌داری اصرار و تبلیغ کند، اما حقیقت این است که مردم مستعمرات در برابر یک استعمار جمعی قرار دارند، و تضاد اصلی و آشتی‌ناپذیر در دوران ما تضاد مردم مستعمرات با سرمایه‌داری جهانی است که چه به صورت مستقیم و چه به شکل طبقه وابسته به استعمار سرمایه‌داری، به آنان تحمیل می‌شود.

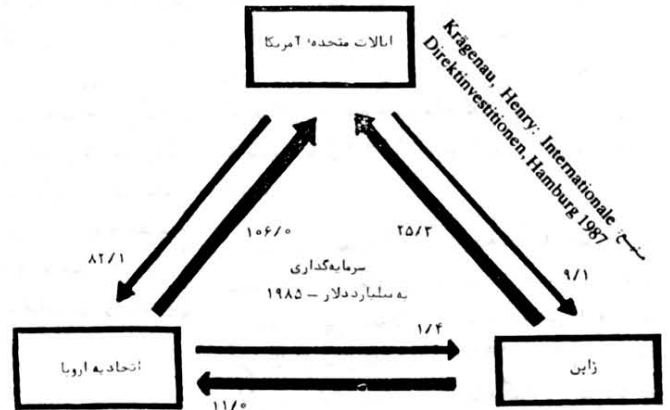
در کشور ما، مسئله تضاد سالهاست که مطرح است. بررسی جریانهای اجتماعی و اوضاع و احوالی که موجب طرح و بسط تئوری «تضاد» در جامعه ما گردید، موضوعی است که می‌تواند بطور دقیق و مشخص برای هر دوره با توجه به همه داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، اما بطور کلی با اطمینان می‌توان گفت که اساس این طرز تفکر از طرفی بر عدم شناخت کامل و درست از ماهیت استعمار سرمایه‌داری و از سوی دیگر بر عدم اطمینان به نیروی مردمی و فقدان تئوری مبارزه قرار داشته است.

چه بسا زنان و مردان شریف و وطن‌پرست که می‌پنداشتند می‌توان با حمایت یک دولت استعماری با دولت استعماری دیگر مبارزه کرد و موفق شد و پس از طرد استعمار مسلط، از سلطه دولت استعماری جدید جلوگیری کرد. استدلال‌های موافق یا مخالف این جریانهای تاریخی هرچه باشد، در این حقیقت تغییری ایجاد نمی‌کند که با استحاله درونی جهان سرمایه‌داری و تبدیل شدن استعمار رقابتی به استعمار دستجمعی، دیگر بطور قطع و یقین نمی‌توان از «تضاد» و در حال حاضر از سه قطبی بودن استعمار سرمایه‌داری سخن گفت. در این که میان کسانی که به چنین نظریاتی اعتقاد داشتند زنان و مردان شریفی هم وجود و حضور داشتند بحثی نیست، کما این که امروز هم در ایران در میان کسانی که به افسانه تضاد و افسانه سه قطبی بودن استعمار سرمایه‌داری اعتقاد دارند و می‌پندارند با کمک و حمایت یک دولت سرمایه‌داری می‌توان بر دولت استعماری سرمایه‌داری دیگری غلبه کرد نیز زنان و مردان شریف و وطن‌پرست وجود دارند. شاید بتوان با حمایت یک دولت استعماری سرمایه‌داری، نظامی را تا زمانی حفظ کرد، اما حقیقت این است که استعمار سرمایه‌داری می‌کوشد با نفوذ اقتصادی به درون کشورهای عقب‌نگه داشته شده، همه چیز را از ریشه به نفع خود متحول سازد و پس از جدا کردن نظام از جامعه آن را با حفظ ظواهر سیاسی و اجتماعی به دست‌آموز خود تبدیل کند و اگر چنین نشد، با



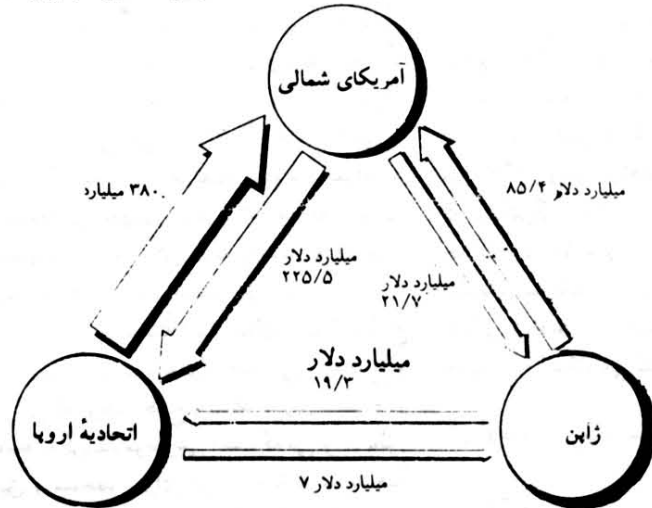
نمودار شماره ۱

نمایش سرمایه گذاری متقابل اروپا، آمریکا و ژاپن در سال ۱۹۸۵



نمودار شماره ۲

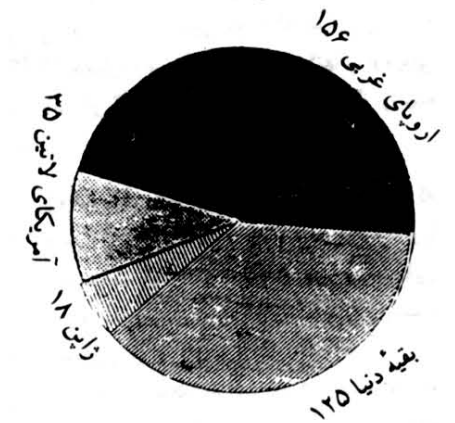
سرمایه گذاری مستقیم خارجی میان اروپا، آمریکا و ژاپن ۱۹۹۰ برحسب میلیارد دلار



منبع: World Investment Report 1993. Source: UNCTAD, Programme on Transnational Corporations, foreign-direct-investment database.

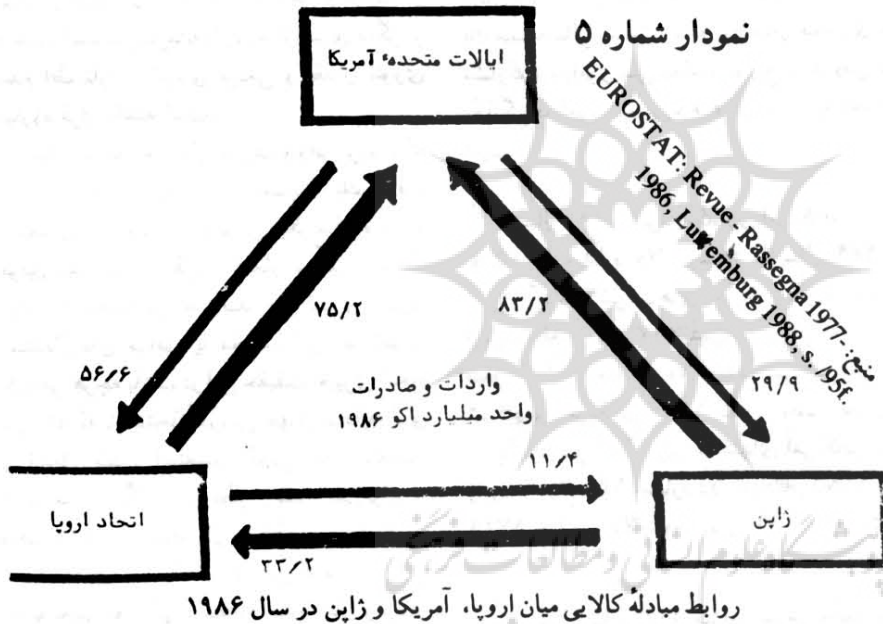
نمودار شماره ۲

سرمایه گذاری مستقیم آمریکا میلیارد دلار - سال ۱۹۸۹



منبع: Survey of Current Business, June 1990

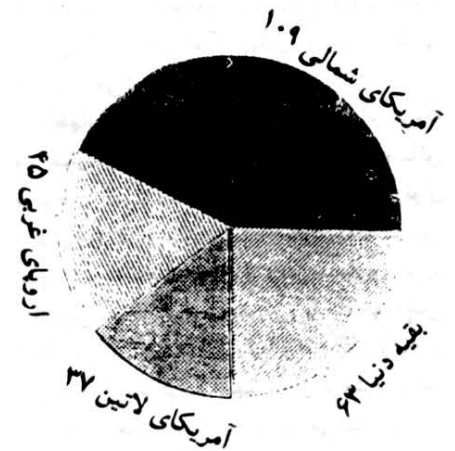
نمودار شماره ۵



روابط مبادله کالایی میان اروپا، آمریکا و ژاپن در سال ۱۹۸۶

نمودار شماره ۳

سرمایه گذاری ژاپن میلیارد دلار - سال ۱۹۸۹



منبع: Die Zeit V. 23. 11. 1990

سرمایه گذاری آلمان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا در فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰ بیش از دو برابر و سرمایه گذاری شرکتهای آلمانی در آمریکا ۴۳ درصد و در بقیه کشورهای صنعتی در آمریکا ۷۵ درصد افزایش نشان می دهد. اگر یازده کشور صنعتی که آلمان در آنها سرمایه گذاری کرده مورد توجه قرار گیرند، آمریکا با فاصله زیادی در مقام اول و پس از آن فرانسه و سایر کشورهای اروپایی قرار دارند و روند سرمایه گذاری شرکتهای آلمانی در آمریکا سیر صعودی طی می کند. سرمایه گذاری آلمان در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۳ در ژاپن نیز ۱۳۵ درصد افزایش داشته است<sup>۵</sup> و سرمایه گذاری مستقیم ژاپن در آمریکا از ۲۴/۳ درصد کل سرمایه گذاری خارجی مستقیم

کرد. در روند ادغام سرمایه ای اروپا و آمریکا، ادغام سرمایه های آلمانی و آمریکایی نقش و اهمیت زیادی دارد. آمارها نشان می دهد که میزان سرمایه گذاری شرکتهای آلمانی در آمریکا از ۲۵/۸ درصد کل سرمایه گذاری خارجی آلمان در سال ۱۹۸۰ به ۳۰/۹ درصد از کل سرمایه گذاری مستقیم شرکتهای آلمانی در جهان در سال ۱۹۸۹ رسیده است. تا سال ۱۹۸۰، نزدیک به سه چهارم سرمایه گذاری خارجی آلمان در کشورهای سرمایه داری صنعتی بوده است از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸، ۹۰ درصد سرمایه گذاری خارجی آلمان در کشورهای صنعتی سرمایه داری صورت گرفته و این نسبت در سالهای بعد افزایش یافته است.<sup>۲</sup>



رسیده که نصف تجارت ژاپن با آمریکا است.<sup>۱۱</sup> واردات کالائی آلمان از آمریکا، از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱، ده درصد افزایش یافته<sup>۱۲</sup> و این حرکت ادامه دارد. تقریباً ۸۲ درصد صادرات آلمان به کشورهای صنعتی می‌رود و ۸۱ درصد کل واردات این کشور در سال ۱۹۹۲ از کشورهای سرمایه‌داری صنعتی بوده است.<sup>۱۳</sup> ادغام کالائی میان اروپا و آمریکا در سالهای اخیر با شدت ادامه یافته است.

میزان کل صادرات کالائی اروپا به آمریکا در سال ۱۹۹۲ به ۱۲۵/۵ میلیارد دلار و واردات از آمریکا در همان سال به ۱۴۲/۴ میلیارد دلار رسیده است.<sup>۱۴</sup>

با توجه به اینکه واردات اروپا از آمریکا در سال ۱۹۸۵، ۵۶/۶ میلیارد «اکو» و صادرات اروپا به آمریکا در همان سال ۷۵/۲ میلیارد «اکو» بوده، می‌توان رشد سریع مبادله کالائی میان دو منطقه در فاصله سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۲ را نشان داد. این روند ادامه دارد و ادغام سرمایه‌داری و کالائی میان اروپا و آمریکا در سالهای آینده رشد بیشتری نیز خواهد یافت.

پس از تفاهم و توافقی که به نظر می‌رسد میان آلمان و آمریکا بر سر مسائل جهانی از جمله یوگسلاوی صورت پذیرفته، روابط این دو کشور وارد مرحله جدیدی شده است. در ۹ سپتامبر ۱۹۹۴ (شهریور ۷۳)، یک روز پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا و انگلستان و فرانسه از برلن، کنفرانسی تحت عنوان «سنت‌های جدید» در همان شهر تشکیل شد و نماینده وزارت بازرگانی آمریکا اعلام کرد که از همان ماه سپتامبر، آمریکا استراتژی جدیدی در زمینه تجارت با اروپا در پیش خواهد گرفت که آلمان در مرکز آن قرار دارد. آمریکا خواهان آن است که حضور اقتصادی‌اش در آلمان را خیلی بیش از آنچه بوده توسعه دهد.<sup>۱۵</sup>

### ۳- اتحاد استراتژیک

روند ادغام کشورهای سرمایه‌داری استعماری با یکدیگر در زمینه سرمایه‌گذاری‌های متقابل و مشترک و همچنین مبادلات کالائی، با روند ادغام تکنولوژیک این کشورها تکمیل می‌گردد و به این ترتیب اقتصاد این کشورها چنان درهم تنیده می‌شود که احتمال هرگونه افتراق یا حتی رقابت در زمینه سرمایه‌گذاری، تبادل کالا و امور نظامی و سیاسی از میان می‌رود.

تا سال ۱۹۸۶، نود قرارداد همکاری میان شرکتهای صنعتی بزرگ اروپا و شرکتهای صنعتی آمریکایی و ژاپنی و میان این سه دولت در زمینه

قرار دارد. کالاهای مبادله شده میان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری از نظر کمی و کیفی با کالاهائی که در بازارهای کشورهای عقب‌نگهداشته شده عرضه می‌گردد متفاوت است. در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، با وجود رقابتی که هنوز در پاره‌ای رشته‌ها و زمینه‌ها برای فروش کالا در بازارهای داخلی کشورهای سرمایه‌داری صنعتی دارند، جهت حرکت به سوی وحدت و یکپارچگی است و اختلاف نظرهای محلی و ملی با تفاهم از میان می‌رود.

آمار و ارقام زیر نشان می‌دهد که چگونه در فاصله سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۸ کشورهای سرمایه‌داری صنعتی از نظر کالائی درهم ادغام شده‌اند:

از مجموع ۷۷/۳۷ میلیارد دلار کالا که کشورهای منطقه آتلانتیک شمالی (تمام کشورهای اروپائی + آمریکا و کانادا) در سال ۱۹۶۰ به همه کشورهای جهان صادر کرده‌اند، ۴۲ میلیارد دلار به کشورهای همان منطقه صادر شده است. در سال ۱۹۸۸، از مجموع صادرات این منطقه به جهان که به ۱۶۶۸/۲۲ میلیارد دلار می‌رسیده، مبلغ ۱۰۷۲/۹۹ میلیارد دلار صادرات درون منطقه‌ای بوده است. ادغام منطقه‌ای از نظر صادرات کالائی از ۵۴/۲۹ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۶۴/۳۲ درصد در سال ۱۹۸۸ رسید.<sup>۱۶</sup> افزایش ادغام کالائی میان کشورهای سرمایه‌داری صنعتی از راه مقایسه آمار و ارقام درباره ارزش واردات این کشورها از یکدیگر نیز تأیید می‌شود.

از ۷۷/۴۶ میلیارد دلار واردات سال ۱۹۶۰ برای منطقه آتلانتیک شمالی، مبلغ ۴۳/۰۹ میلیارد دلار واردات درون منطقه‌ای بوده است. در سال ۱۹۸۸، از کل واردات منطقه از همه کشورهای جهان که بالغ بر ۱۸۳۷/۵۰ میلیارد دلار می‌گردید، سهم واردات میان منطقه‌ای ۱۰۸۰/۴۲ میلیارد دلار بوده، و درصد تمرکز واردات منطقه‌ای از ۵۵/۶۴ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۵۸/۸۰ درصد در سال ۱۹۸۸ رسیده است.<sup>۱۷</sup>

سهم ژاپن در کل واردات اروپا، که در سال ۱۹۶۰ یک و نیم درصد بود، در سال ۱۹۸۷ ده درصد شد. در سال ۱۹۹۰ کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۱۸/۷ درصد کل صادرات ژاپن را به خود اختصاص دادند و در همان سال ژاپن ۱۴/۹ درصد کل صادرات اروپا را جذب کرد. آمار و ارقام فراوانی وجود دارد که ثابت می‌کند از پایان سال ۱۹۸۰ به بعد و در ده سال اخیر ادغام کالائی ژاپن و اروپا افزایش یافته است.<sup>۱۸</sup> حجم مبادلات کالائی با اروپا در سال ۱۹۹۰ به ۸۸/۵ درصد

آن کشور در سال ۱۹۸۰ به میزان ۱۴/۱ درصد در سال ۱۹۸۹ رسیده است.<sup>۱۹</sup>

افزایش نسبت سرمایه‌گذاری در کشورهای سرمایه‌داری استعماری نسبت به کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان در آمارهای اقتصادی همه کشورهای سرمایه‌داری صنعتی نشان داد و این بدان معنی است که روند ادغام و تمرکز سرمایه میان کشورهای سرمایه‌داری صنعتی چه در داخل اروپا و چه میان اروپا و آمریکا و ژاپن در حال رشد است. در سالهای اخیر، انگلستان به صورت پل سرمایه‌گذاریهای ژاپن و آمریکا در قاره اروپا درآمده است.<sup>۲۰</sup>

### ۲- ادغام کالائی

همراه با ادغام و تمرکز سرمایه میان اروپا، آمریکا و ژاپن، ادغام کالائی در بین کشورهای سرمایه‌داری استعماری نیز سرعت و توسعه یافته است. حرکت ادغام کالائی، مانند حرکت ادغام سرمایه‌ای، موجب انسجام هرچه بیشتر و پایداری اقتصاد در قطب استعمار سرمایه‌داری است.

با آمار و ارقام می‌توان نشان داد که مبادله کالائی میان اروپا و آمریکا و ژاپن به صورت فزاینده، حرکتی یک‌جهتی و رو به مرکز است. همچنان که سرمایه‌گذاران خارجی در مستعمرات به علت ارزان یا شاید بتوان گفت بی‌بها بودن نیروی کار و جان انسانی و وجود منابع سرشار طبیعی، سود فراوانی چه مستقیم و چه به صورت صدور کالا و مواد معدنی ارزان به دست می‌آورند، فروش کالاهای خارجی نیز در مستعمرات منبع درآمد بزرگی برای کشورهای صنعتی سرمایه‌داری استعماریست. همان‌گونه که سرمایه‌های خارجی مانع رهایی از فقر و ظلم است و از رشد اقتصادی سرزمین‌های عقب‌نگهداشته شده جلوگیری می‌کند، ورود کالاهای خارجی نیز نه فقط مانع رشد تولید بلکه موجب عقب رفتن تولید کالاهائی در آن مناطق می‌شود و روابط تبدالی میان معدن، کشاورزی، صنایع و رشته‌های تولیدی را مختل می‌سازد.

اما همان‌گونه که برخلاف اثرات سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عقب‌نگهداشته شده، سرمایه‌گذاری متقابل کشورهای صنعتی سرمایه‌داری موجب مبادله اطلاعات علمی و تقویت تولید در مناطق و زمینه‌های معین میان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری می‌شود و به رشد اقتصادی آنها کمک می‌کند، مبادله کالائی میان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری نیز در خدمت رفع نیازهای متقابل و تنظیم و تکمیل اقتصادی



تعداد شرکتهای بزرگ  
صنعتی کشورهای  
سرمایه‌داری که با  
یکدیگر وارد اتحاد  
استراتژیک شده‌اند:<sup>۲۱</sup>

در زمینه‌های	شرکتهای آمریکایی - اروپایی	ژاپنی - آمریکایی	اروپایی - ژاپنی
بیوتکنولوژی	۱۲۸	۵۴	۲۰
مواد جدید	۵۲	۴۰	۲۳
صنایع هوایی و دفاعی	۳۱	۳	—
تکنولوژی اطلاعات	۲۵۶	۱۳۲	۵۷
شیمی	۵۴	۳۸	۲۱

استراتژیک این دو شرکت بزرگ صنعتی آغاز شد و توسعه یافت.<sup>۲۰</sup>

جدول تعداد شرکتهای بزرگ چند ملیتی اروپایی، آمریکایی و ژاپنی را که در فاصله سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۸ وارد مرحله «اتحاد استراتژیک» با هم شده‌اند، نشان می‌دهد:

عامل مهم و نیروی محرکه در ادغام اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری استعماری، شرکتهای چند ملیتی هستند که مرکز اصلی بیش از ۹۰ درصد آنها در اروپا و آمریکا و ژاپن قرار دارد. امروزه می‌توان به خوبی نشان داد که شرکتهای چندملیتی در کشورهای خود، قدرت اصلی و تعیین کننده در امور اقتصادی و سیاسی اند، و با حرکت به سوی وحدت استراتژیک و شراکت با یکدیگر در سرمایه و تولید به قدرت اصلی و تعیین کننده در امور اقتصادی جهان و به این سبب در امور سیاسی و نظامی دنیا درآمده‌اند و خطوط اصلی حرکتیهای سیاسی و نظامی و اقتصادی کشورهای اروپایی، آمریکا و ژاپن را براساس توافق و تفاهم و شراکت تعیین می‌کنند. و این درحالی است که مقاومتیهای محلی و ملی در درون مرزهای ملی در برابر موج تمرکز سرمایه روز به روز ضعیف تر می‌شود. بنا به گزارش سازمان ملل متحد (World Investment Report)، از سال ۱۹۸۰ و به خصوص پس از ۱۹۸۲، میزان سرمایه‌گذاری خارجی چند ملیتی‌ها در جهان به شدت افزایش یافته و در سال ۱۹۹۲ به ۲ تریلیون دلار رسیده و فروش در شعبه‌های خارجی چند ملیتی‌ها بالغ بر ۵/۵ تریلیون دلار شده است.

جهان چندملیتی‌های بزرگ، متنوع و درحال گسترش است. در اوایل سال ۱۹۹۰، ۳۷ هزار شرکت چند ملیتی در جهان با ۱۷۰ هزار شعبه خارجی وجود داشته و مرکز ۲۴ هزار شرکت چند ملیتی در ۱۴ کشور صنعتی سرمایه‌داری بوده است (این تعداد در سال ۱۹۷۰، فقط ۷ هزار بود).<sup>۲۲</sup> ارقامی که برای شرکتهای چند ملیتی ذکر شده، در حد اقل است زیرا آنها سازمان و روابط بسیار پیچیده‌ای دارند و با اتحاد استراتژیک میان

تولید، سرمایه‌گذاری مشترک، مبادله تکنولوژی، مبادله اطلاعات بانکی و مالی و همکاری در بازارهای فروش منعقد شده است.<sup>۱۶</sup> جریان همکاری، مشارکت و ادغام شرکتهای بزرگ صنعتی اروپایی، آمریکایی و ژاپنی در سالهای اخیر توسعه یافته و تحت عنوان «اتحاد استراتژیک» به صورت فزاینده‌ای ادامه دارد، هدف این است که همکاری و شراکت جای رقابت را بگیرد، و شرکتهای بزرگ صنعتی جهان سرمایه‌داری هرچه بیشتر در همه زمینه‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر، همکاری و مشارکت کنند.

در پنجمین کنفرانس جهانی کارتل که در سال ۱۹۹۰ در برلن تشکیل شد، مسئله اتحاد استراتژیک شرکتهای بزرگ چند ملیتی مطرح گردید. اتحاد استراتژیک عبارتست از موافقت‌های بین المللی کارتل‌های صنعتی، و هدف از آن تبدیل رقبای بالفعل و بالقوه به همکار در همه زمینه‌هاست.<sup>۱۷</sup> در حال حاضر کوشش‌های آگاهانه و فراوانی انجام می‌گیرد که براساس اتحاد استراتژیک کارتل‌ها و شرکتهای چندملیتی و بانکهای بزرگ و...، سه قدرت اقتصادی جهان یعنی آمریکا، ژاپن و اروپا، با وجود همه مشکلات، هم‌آهنگ و متمرکز عمل کنند.<sup>۱۸</sup> به عنوان مثال، می‌توان از گسترش اتحاد استراتژیک شرکتهای بزرگ الکترونیک اروپایی، آمریکایی و ژاپنی یاد کرد. شرکتهای آمریکایی، TAXI, APPLE, IBA با رقبای قدیمی شان همکاری جدید برقرار کرده‌اند؛ شرکت ژاپنی توشیبا، با زیمنس آلمان، جنرال الکترونیک آمریکا و تعداد دیگری از شرکتهای آلمانی و آمریکایی وارد مرحله اتحاد استراتژیک شده است. این شرکتهای دیگر نه به صورت رقیب بلکه بعنوان شریک و همکاری، میلیاردها دلار مشترکاً سرمایه‌گذاری کرده‌اند.<sup>۱۹</sup> همچنین می‌توان از اتحاد استراتژیک شرکت اتومبیل‌سازی «فورد» آمریکا با «مزدا»ی ژاپن سخن گفت. در سال ۱۹۷۹ «فورد» ۲۵ درصد سهام مزدا را به دست آورد و از آن زمان اتحاد

کنسرن‌ها و کارتل‌ها بسیار مشکل است که بتوان گفت چه شعبه فروش یا تولید به کدام شرکت چند ملیتی یا متحدان استراتژیک آن تعلق دارد.

در سالهای اخیر روند تمرکز در میان چندملیتی‌ها نیز شدت یافته است؛ پنجاه درصد از کل سرمایه‌گذاری خارجی به یک درصد از شرکتهای چند ملیتی تعلق دارد. در سال ۱۹۹۰، سرمایه‌گذاری خارجی ۱۰۰ شرکت خارجی، بطور تقریب به ۲۸۰ میلیارد دلار می‌رسیده است. در زمینه ادغام تکنولوژیک کشورهای سرمایه‌داری استعماری باید گفت که شمار قراردادهای دوجانبه برای سرمایه‌گذاری متقابل در کشورهای OECD در سال ۱۹۹۲ به ۵۰۶ بالغ شده است.<sup>۲۳</sup>

از آنچه به اختصار ذکر شد، می‌توان به قدرت شرکتهای چند ملیتی و همکاری و حرکت آنها به سوی وحدت که موجب ادغام اقتصادی اروپا، آمریکا و ژاپن شده و می‌شود، پی برد. برای ما مردم کشورهای عقب نگهداشته شده این پرسش مطرح است که با توجه به ادغام سرمایه‌ای و کالایی میان کشورهای اروپایی، آمریکایی و ژاپنی و بخصوص با توجه به اتحاد استراتژیک چندملیتی‌ها، آیا باز می‌توان از وجود تضاد میان دول استعماری و سه قطبی بودن اقتصاد جهان سخن گفت؟ آیا دولتهای استعماری سرمایه‌داری می‌توانند در جهت خلاف منافع سرمایه‌داران خود و منافع کارتل‌ها و تراست‌ها و کنسرن‌ها و شرکتهای چندملیتی صنعتی و غیر صنعتی که با یکدیگر شریک و متحد شده‌اند و می‌شوند قدم بردارند؟

در کنفرانسی که یک روز پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا، فرانسه و انگلیس از برلن در آن شهر تشکیل شد، رئیس شرکت دایملر بنز پیشنهاد کرد یک بازار تجارت آزاد آتلانتیک (Trans - Atlantische Freihandelszone) بعنوان نتیجه‌گیری از تغییرات دوران سازی که در سالهای اخیر رخ داده، به وجود آید و هشدار داد که ساختار کنونی اقتصاد جهان ممکن است از دوستان و شرکاء، دشمنان بسازد. برای حل این مسائل، آمریکا و اروپا، و بدین جهت آمریکا و آلمان وظیفه رهبری را به عهده دارند. نخست‌وزیر آلمان نیز خواستار حضور دائمی اقتصادی آمریکا در اروپا شد. هدف از این همکاری و ادغام، سرمایه‌گذاری در اروپای جنوبی و شرقی است.<sup>۲۴</sup> با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت و دریافت که دوران افسانه وجود تضاد میان کشورهای سرمایه‌داری استعماری بطور قطع پایان یافته و افسانه سه قطبی بودن نیز که پس از فروپاشی نظام اقتصادی و سیاسی شوروی به صورت وسیعی



و نظامی در روابط آمریکا، اروپا و ژاپن نشان می‌دهد که در این کشورها حرکت به سوی ادغام و یکپارچگی در همه زمینه‌ها به شدت و سرعت ادامه دارد و دولت‌هایی در این کشورها می‌توانند بر سر کار آیند و بمانند که در جهت ادغام عمل کنند. خلاصه سخن این که چه بخواهیم، چه نخواهیم، دوران افسانه تضاد میان دول استعماری سرمایه‌داری و افسانه سه قطبی بودن عملاً پایان یافته، اما چنانچه هنوز این افسانه‌ها در ذهن پاره‌ای از سیاستمداران و روشنفکران کشورهای عقب نگه‌داشته شده جا دارد، اگر برای توجیه دنباله‌روی و تسلیم جریان شدن نباشد، یک دلخوشی بی‌مورد است، مانند دلخوشی کبک که سر را زیر برف می‌برد تا دشمن را نبیند و خطر را قبول نکند.

خارج از اروپا افزایش یافته، و تغییراتی که به خصوص در خاورمیانه و مدیترانه به وجود می‌آید به امنیت اروپا مربوط می‌شود. «ورنر توصیه کرده بود که از راه تشکیل واحدهای متحرک برای هجوم سریع و همچنین ادغام واحدهای نظامی چندملیتی دول اروپایی و آمریکا، با خطر جدیدی که از مستعمرات سرچشمه می‌گیرد مقابله شود.<sup>۲۵</sup> روزنامه فرانکفورت روندزشاو، از تشکیل واحد نظامی بین‌المللی خبر می‌دهد که در آن از ارتش‌های بلژیک، هلند، انگلستان و آلمان هر کدام یک بریگاد شرکت دارد.<sup>۲۶</sup> در ماه ژوئیه ۱۹۹۴، دادگاه عالی آلمان شرکت نیروهای نظامی آن کشور در عملیات سراسر جهان را قانونی دانست.<sup>۲۷</sup> بررسی اجمالی تغییرات سیاسی، اقتصادی

مطرح گردیده بود، عمر کوتاهی داشته است. افزایش همکاریهای نظامی میان اجزاء سازنده قطب سرمایه‌داری استعماری نیز در راستای روند ادغام است و به صراحت اعلام می‌شود که جنگجویان جهانی در ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) با یکدیگر متحد شده‌اند. اینان، پس از فروپاشی شوروی، ضمن اعلام خاتمه دوران منازعات شرق و غرب و تبدیل شدن کشمکش به همکاری، از کشورهای عقب نگه‌داشته شده بعنوان دشمنان جدید یاد می‌کنند. روزنامه TAZ، با نقل اظهارات مانفرد ورنر، دبیرکل سابق ناتو (که اخیراً درگذشت) می‌نویسد که او در سالهای آخر دبیرکلی خود از خطرات نظامی جدیدی که برآثر بروز تغییرات در جهان سوم ایجاد شده است سخن می‌گفت: «خطر در

1. Kragenau, Henry Internationale Direktinvestitionen, Hamburg, 1987 Survey of current business 1990- Vol. 70 nr. 6- S. 61; Hanns W. Maull (Hg), Volkert Fuht Japan und Europa, getrennte Welten?, Frankfurt, 1993.
2. Martin Guek, Klaus Heidel, Werner Kleinert Multis, Markt & Krise, Heidelberg, 1992, S. 207 ff
3. Michael o Moore Determinant of German Manufacturing Direct Investment 1980-1988 in: Zeitschrift des Instituts für Weltwirtschaft Kiel, Bd. 129, 1933.
4. Strukturwandel der deutschen Direktinvestitionen in: IFO Schnelldienst, 23, 93- S. 18.
5. Jens Oliver Lotz Direktinvestitionen des Verarbeitenden Gewerbes in Industrieländern in: Die Weltwirtschaft, S. 150-151; Mettler, H. peter (Hg) Multinationale Konzerne in der Bundesrepublik Deutschland Frankfurt, 1985.
6. Japans Direktinvestitionen in Europa - Europas Direktinvestitionen in Japan IFO - Institut für Wirtschaftsforschung, München, 1990 Tabelle 5.
7. IWD - Informationsdienst des Instituts der deutschen Wirtschaft, 26. Mai 1944 (Direktinvestitionen - Bogen um Deutschland; Angelika Ernst, Hanns Günther Hilpert Japans Direktinvestitionen in Europa - Europas Direktinvestitionen in Japan IFO - Institut für Wirtschaftsforschung München, 1990, S. 7 auch 62; The New US push into Europe in: Fortune, Dez. 27 1993- p. 37.
8. Menzel, Ulrich Japan und der asiatisch - pazifische Wirtschaftsraum in: Japan und Europa. Getrennte Welten? Hanns Maull (Hg), Frankfurt, 1993, S. 162.
9. ebenda S. 164.
10. Korte, Rudolf Die Wirtschaftlichen Beziehungen Zwischen der europäischen Gemeinschaft und Japan in: Maull, Japan und Europa, S. 249; Europe takes on the Japanes in: Fortune, Jan. 1933 Elektronische Bauelemente Europäer unter Druck in: IWD (informationsdienst des Instituts der deutschen Wirtschaft, Nr. 21- 20/26. Mai 1994- S.3-5.
11. ebenda.
12. Geringe Impulse von Handel mit der USA - Zur Entwicklung des Aussenhandels der Bundesrepublik Deutschland mit den USA von 1989 bis 1992 in: Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung (Diw), Wochenbericht S. 55, S. 193-4. Feb. 1993.
13. Aussenhandel 1992 nach Ursprungs - und Bestimmungsländern in: Wirtschaft und Statistik 1993 (Hsg) Statistisches Bundesamt.
14. Welthandel - Karussell der Quoten in: Wirtschaftswoche, Nr. 49, 3.12.1993.
15. USA setzen auf Wirtschaftsstandort Deutschland Frankfurter Rundschau, 10. Sept. 1994- S. 1.
16. Van Tulpes, Rob - Junne Gerg Major International Cooperation Agreements Involving European Multinationals in athe 1980- 6 period in: European Multinational Care - Technologie, Genf, 1988 S. 235-243.
17. Michael Hammes Wettbewerbspolitische Aspekte - Strategische Allianz in: Wirtschaftsdienst, 1993- IX - S. 493.
18. Die ungleichen partner der Triade USA - Japan und Deutschland in: Blätter für deutsche und internationale politik, 9, 93 S. 1081.
19. How Toshira Makes alliances Work in: Fortune, Oct. 1993- p. 42; the new push into Europe in: Fortune, Dec. 27. 1993- p. 36-40; Sandz schluckt US - Riesen Gerber FR, 24. Mai 1994 Reste Sammeln in: Wirtschaftswoche, Nr. 46, 12.11.1993.
20. World Investmentreport 1993 (Transnational Corporations and Integrated International Production) United Nations - New York, 1993-p. 148-149.
21. pottl, Manfred Technologie Konkurrenz und strategische Allianz in der Triade in: Japan und Europa (Hsg) Hanns Maull - S. 422.
22. World Invbestmentreport 1933- p.1; The, Largest US Industrial Corporation in: Fortune, April 18., 1994; Die 80 grössten westeuropäischen Industrie und Dienstleistungsunternehmen in: Wirtschaftswoche Nr. 52, 24. 12. 1993; The Top 200 - Shape of Global Power in: Economic and politic Weekly, Bombay, Feb. 5. 1994.
23. ebenda p.2.
24. USA setzen auf Wirtschaftsstandort Deutschland in: Frankfurter Rundschau, 10. Sept. 1994 - S. 1.
25. Tageszeitung (TAZ) Berlin, 23. 9. 1990.
26. Nato - Eingreiftruppe in Dienst gestellt in: Frankfurter Rundschau (FR), 24. juni 1994.
27. Weltweiter Bundeswehreinsatz erlaubt in: FR. 13. Juli 1994.